

## گزارشی از برنامه های هنری یازدهمین کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهشهای زنان ایران

نمایش دو فیلم «زینت» و «مکرمه»

عصر روز پنجشنبه ۱۵ ژوئن، دو فیلم «زینت» و «مکرمه» از ابراهیم مختاری بنمایش در آمد. فیلم زینت روایتی است مستند از زندگی دختری که در روستایی دورافتاده در منطقه جنوب ایران در تنها درمانگاه روستا بهورز است. پس از ازدواج، تحت فشار خانواده داماد - بویژه مادر شوهر - و خانواده خودش - بویژه پدر - مجبور می شود کاری را که بدان عشق می ورزد ترک کند. اما او مقاومت می کند و سرانجام کارش را با نجات یک دختر بچه بیمار از سر می گیرد. مختاری در این فیلم، فرهنگ و سنت های عقب مانده ای را که مانع اشتغال زنان است به تصویر می کشد. اما در این تصویر جای قدرت دولتی (بطور خاص رژیم جمهوری اسلامی) بعنوان اصلی ترین عامل سرکوب زنان و بزرگترین اشاعه دهنده افکار و سنن عقب مانده خالی است. به همین دلیل بیننده قادر نیست از خلال این فیلم متوجه سرچشمه این بی عدالتی ها گردد.

فیلم «مکرمه، خاطره ها و رویاها» آخرین اثر ابراهیم مختاری است که در سال ۱۹۹۹ ساخته شده است. این فیلم حکایت مستند رنجهای زنی بی سواد از روستاهای مازندران است. فرزندانش بزرگ شده اند و به شهر رفته اند و او تنها زندگی می کند. پس از مرگ گاو محبوبش، مکرمه بحرانی میشود و روزهای سختی را می گذراند. داستان درد از دست دادن گاو را با گل و پهن گاو بر روی سنگی نقش می زند. او با تجربه ای که در زمینه آرایش عروسان روستا داشت، ذوق هنری خود را به کار می گیرد و شروع به نقاشی می کند. نقاشی های مکرمه، بر تمام دیوارهای خانه، ایوان، حیاط و حتی ابزار اولیه زندگی اش نقش می بندد. فیلم با صحنه ای آغاز می شود که پسر مکرمه از شهر برای او کاغذ و رنگ می آورد و مکرمه را می بینیم که در حال انتخاب رنگ هاست. مکرمه با شروع نقاشی بحران را از سر می گذراند. در صحنه هایی از فیلم هووی مکرمه بدیدنش می آید و اینجاست که از گفتگوی این دو زن به جزئیات سالها زندگی و درد مشترک و عمق نزدیکی شان پی می بریم. مکرمه تک تک نقاشی هایش را به او نشان می دهد.

مکرمه ۱۴ ساله بود که کدخدای ۵۷ ساله روستا که برادر مالک زمینهای ده بود به خواستگاری او می آید. پدر مکرمه مخالفت می کند اما کدخدا او را در طویله ای حبس و شکنجه می کند و زیرش آب راه می اندازد و بدین طریق سرانجام او را وادار می کند که دخترش را به او بدهد. این مسئله در گفتگوی اعتراض آمیز مکرمه با پیرمردی که در این کار با کدخدا همکاری کرده بود مشخص می شود.

مکرمه طی بازگو کردن خاطراتش از رنج هایی که به سر او و هویش آمده پرده بر می دارد. اینکه چگونه

زمانی که هر دو بالای درختی نشسته بودند و با هم گپ می زدند شوهرشان آنان را با چوب تهدید می کرد. و هر باری که که آنان را تنبیه می کرد، مکرمه اضافه تر لباس می پوشید تا کمتر دردش بگیرد. در صحنه ای از فیلم هووی مکرمه سراغ تصویر خود را از او می گیرد، مکرمه او را به پشت رختخواب ها می کشاند و تصویری از زنی جوان و زیبا را به او نشان داده و می گوید این تو هستی. زمانی که از او سراغ تصویر شوهر گرفته می شود تصویر دیوی دو شاخ را نشان می دهد، که حتی بر خاک انداز خانه نیز نقش بسته است. فیلم با برپائی نمایشگاه نقاشی مکرمه در تهران به پایان می رسد.

نقاشی های مکرمه بیان زندگی او بود. آرزوها و برخی حوادث که برایش مهم بودند و خاطراتش از رنجهای زندگی و کار زنان در روستا. مکرمه به کمک نقاشی از بحران خود وارست، با هنر امید به زندگی را در خود برانگیخت و از طریق نقاشی حکایت خود را و هویت خود را بیان کرد. افسوس مکرمه این بود که چرا سواد ندارد تا بتواند تمام قصه زندگیش را بنویسد.

این فیلم انعکاسی کوچک از این واقعیت مهم جامعه ماست که ستمدیدی مفرط زنان روستائی ظرفیت زیادی را برای پیشرفت در آنان انباشته کرده و تحمیل عقب ماندگی بر انسان ، میل به پیشرفت را صد چندان می کند.

معرفی هنرمندان نمایشگاه هنری

امسال ما شاهدیکی از پر بار ترین و دیدنی ترین نمایشگاه های نقاشی در کنفرانس بنیاد پژوهش ها بودیم. در نزدیکی محل کنفرانس دو گالری نقاشی متعلق به ۳۵ هنرمند زن از اقصی نقاط جهان به نمایش گذاشته شد. در گالری «فراسوی مرزها»، نقاشی های سودابه اردوان - که به مدت هشت سال در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برده به نمایش درآمد. او بسیاری از این تصاویر را در دوران اسارت خویش کشیده است. این نقاشی ها در واقع روایتی تصویری از زندان های جمهوری اسلامی است که هر بیننده ای را بشدت تحت تاثیر قرار می دهد.

در گالری دیگر بنام «بازتابی از درون» نیز ما شاهد آثار هنری دیگری بودیم.

در بخش معرفی هنرمندان بیش از ۱۰ زن هنرمند قادر شدند در کنفرانس حضور یابند و در مورد کارهایشان صحبت کنند. در این میان سودابه اردوان به توضیح نقاشی های خود در زندان پرداخت. او تحت شرایط سخت زندان راهی برای انعکاس صدایش و صدای همه زندانیان در بند یافته بود، نیروی مقاومت و خلاقیت خود را بکار گرفت تا امید به زندگی و مبارزه را برانگیزد. سودابه برس نقاشی اش را که با تار موی خود ساخته بود بهمراه آب رنگی که چیزی جز آب چای «تی بگ» نبود، بکار گرفت تا سکوت و انفعالی را که زندانبانان برای در هم شکستن زندانیان اعمال می کنند، درهم شکنند و از این

طریق صدایش را به بیرون از دیوارهای زندان رساند. این صدایی است که می ماند و به همه مبارزان الهام می بخشد.

در هنگام صحبت های سودابه نفس ها در سینه حبس شد. پس از سودابه تقریباً همگی هنرمندان و حتی سخنرانان بعدی تحت تاثیر نقاشی های او بودند. (به دلیل اهمیت و ویژگی نقاشی های سودابه اردوان صفحاتی از نشریه هشت مارس را به چاپ این نقاشی ها و توضیحات خودش اختصاص می دهیم).

نمایش تئاتر «مرگ و آن دختر»

تئاتر «مرگ و آن دختر» اثر آریل درفمن که توسط بلا واردا به فارسی برگردانده شد، در این شب با کارگردانی سپیده کوشا و بازیگری بلا واردا، حمید احياء و رهام شیخانی بنمایش در آمد. (لازم به تذکر است که از این نمایشنامه فیلم سینمایی هم به همین نام در آمریکا تهیه شده است).

بسیاری از شرکت کنندگان کنفرانس قبل از این نیز با بازیگری و کارگردانی سپیده کوشا در نمایش نامه «مرغ سحر» در نهمین کنفرانس بنیاد آشنا بودند.

داستان این نمایش نامه در شیلی می گذرد، زمانی که پینوشه، جلد مردم شیلی، به کمک امپریالیستهای آمریکائی روند «آشتی ملی» را براه انداخت. نمایش این تئاتر در شرایط سیاسی کنونی ایران ویژگی خاصی بدان می بخشد. نمایش حکایت زنی است که بخاطر فعالیتهای سیاسی شوهرش که یک لیبرال آزادیخواه بود دستگیر می شود. در زندان تحت شکنجه قرار می گیرد که محل اختفای شوهرش را بگوید. او شکنجه های جسمی و روحی و و تجاوزهای مکرری را که شکنجه گر در زندان به او می کند تحمل می کند و پس از مدتی آزاد می شود. بر حسب تصادف او شکنجه گر خود را شناسائی می کند و او را در خانه خود به بند می کشد و قصد دارد او را شخصا محاکمه و مجازات کند. از این لحظه ببعد جدالی بین او و همسرش بر سر چگونگی برخورد به این شکنجه گر آغاز می شود. طی نمایش به واقعیت های دیگر نیز پی می بریم. زمانی که این زن زندانی به خانه برمی گردد، همسرش را - که اکنون ریاست کمیسیون تحقیق جنایات درون زندانها را بعهده دارد - در کنار زن دیگری می بیند. عملاً در متن محاکمه شکنجه گر به جرم تجاوز، محاکمه شوهر به جرم بی وفائی نیز صورت می گیرد. بنوعی این نمایشنامه جدلی است حول این مسئله که آیا باید جنایات رژیم را فراموش کرد و مسببین آنرا عفو نمود یا خیر.

سپیده کوشا در رابطه با ویژگی این نمایشنامه گفت : «اصلاً نباید این توهم را داشت که گویا شرایط در ایران عوض شده است، بلکه این نمایش می خواهد سوالی را که در تحولات آتی در جامعه ما طرح خواهد شد پیش گذارد، سوالی که پاسخش به تحقق شرایط نوین و توهم زدائی از جبهه دوم خرداد کمک خواهد کرد.»

